

Strategies for consolidating and stabilizing the influence of the Islamic Republic of Iran in Yemen

Naser Hazinia

Corresponding author, PhD student of International Relations, Faculty of National Security, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Email: hazy.nya@gmail.com

Ghadir Nezamipoor

Associate Professor of Strategic Management, Department of International Relations, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Email: Dr.ghn38@yahoo.com

Fathallah Kalantari

Associate Professor of Strategic Defense Sciences, National Security Research Institute, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Email: ff.ka@chmail.com

Abstract

Yemen is a country that in the past decades, on the one hand, has always been involved in conflicts between political-religious groups and tribes, and on the other hand, due to its strategic location, it has witnessed the interference of foreign countries, especially Saudi Arabia and the United States, in its internal affairs. Ansarullah's religious commonalities with Iran, along with media support, have strengthened the suspicion of religious rivalry between Iran and Saudi Arabia as two influential regional powers, and on the other hand, the possibility of a Tehran-backed government coming to power in the Backyard of Saudi Arabia, namely Yemen, has greatly increased Saudi concerns in this regard. This is despite the fact that Iran's role in the process of the Yemeni revolution, like other areas of foreign policy of this country, is based on the discourse of the Islamic revolution with the aim of restoring the lost rights of the Yemeni people and freeing them from foreign interference. This research, using the analytical-explanatory method and based on the theoretical framework of resistance discourse seeks to answer this basic question: What are the Strategies for consolidating and stabilizing the influence of the Islamic Republic of Iran in the resistance front of Yemen? Considering the opportunities, threats, strengths, and weaknesses of its influence in Yemen, the Islamic Republic of Iran is trying to change the balance of regional power in Yemen's resistance front in its favor by using political, economic, cultural, and military-security strategies while supporting the political groups and currents of this country.

Keywords: Islamic Republic of Iran, Saudi Arabia, Republic of Yemen, Ansarullah, axis of resistance.

راهبردهای تثبیت و پایدارسازی نفوذ جمهوری اسلامی ایران در یمن

ناصر حضی نیا

نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
Email: hazy.nya@gmail.com

قدیر نظامی پور

دانشیار مدیریت راهبردی، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
Email: Dr.ghn38@yahoo.com

فتح‌اله کلاتری

دانشیار علوم دفاعی راهبردی، پژوهشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
Email: ff.ka@chmail.com

چکیده

یمن کشوری است که در دهه‌های گذشته از یک‌سو همواره درگیر نزاع و کشمکش گروه‌های سیاسی-مذهبی و قیابیل بوده و از سوی دیگر به دلیل موقعیت راهبردی، شاهد دخالت کشورهای خارجی به‌ویژه عربستان سعودی و آمریکا در امور داخلی خود بوده است. اشتراکات مذهبی انصارالله با ایران در کنار حمایت‌های رسانه‌ای، شائبه رقابت مذهبی بین ایران و عربستان را به‌عنوان دو قدرت تأثیرگذار منطقه‌ای تقویت نموده و از طرفی احتمال روی کار آمدن حکومت مورد حمایت تهران در حیات خلوت عربستان یعنی یمن، به‌شدت بر نگرانی عربستان در این زمینه افزوده است. این در حالی است که نقش آفرینی ایران در روند انقلاب یمن، همچون سایر حوزه‌های سیاست خارجی این کشور مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی با هدف بازگرداندن حقوق از دست رفته مردم یمن و رهایی از مداخله خارجی است. این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی-تبیینی و بر اساس چهارچوب نظری گفتمان مقاومت به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که راهبردهای تثبیت و پایدارسازی نفوذ جمهوری اسلامی ایران در جبهه مقاومت یمن کدام‌اند؟ جمهوری اسلامی ایران نظر به فرصت‌ها، تهدیدات، قوت‌ها و ضعف‌های نفوذ خود در یمن با بهره‌گیری از راهبردهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی-امنیتی ضمن حمایت و پشتیبانی از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی این کشور تلاش می‌کند تا موازنه قدرت منطقه‌ای را در جبهه مقاومت یمن به نفع خویش تغییر دهد.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، جمهوری یمن، انصارالله، محور مقاومت.

مقدمه و بیان مسئله

انقلاب اسلامی، به‌عنوان یک گفتمان مهم و ملهم از اسلام اصیل و اندیشه‌های امام خمینی^(ره)، تأثیرات فراوان و ماندگاری بر متفکران و رهبران نهضت‌ها و نیز جنبش‌های جهان اسلام داشته و به الگویی برای نظام‌های سیاسی و جنبش‌های آزادی‌خواه تبدیل شده است. از جمله دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی شکل‌گیری «گفتمان مقاومت»^۱ در منطقه است که باعث تقویت حس مقاومت در مقابل نظام سلطه و حکومت‌های استبدادی در منطقه غرب آسیا گردیده است. نظر به اینکه صدور انقلاب، نفوذ در قلوب ملل مستضعف و گسترش آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی در فراسوی مرزهای جغرافیایی ایران، از اهداف مهم انقلاب اسلامی بوده بنابراین، جبهه مقاومت یکی از الگوهای اجرا شده برای صدور انقلاب تلقی شده که نمونه‌های بارز آن را در حزب‌الله لبنان، برخی گروه‌های مقاومت اسلامی فلسطینی، عراقی، یمنی، سوریه، افغانی، پاکستانی و به تعبیری اردوگاه جبهه مقاومت می‌توان مشاهده کرد. در کشورهای مسلمان شیعه، استراتژی‌های جنگ سیاسی نیابتی ایران بر ترویج همبستگی شیعیان به شیوه فرقه‌ای متمرکز است (and Fekry, Kasapoglu 2020: p. 10). در این میان، شکل‌گیری تحولات سیاسی جدید در یمن به دنبال بیداری اسلامی^۲ در سال ۲۰۱۱ برای جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی و حضور جمع کثیری از شیعیان در این کشور دارای اهمیت بسیار زیادی می‌باشد؛ ایران به‌عنوان یک بازیگر فعال و هژمون منطقه‌ای از زمان شروع و اوج‌گیری بحران در کشور یمن در راستای تأمین امنیت منطقه‌ای خود تلاش نموده و به‌عنوان الگوی فکری این کشور، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سیاست‌های دیگر کشورهای منطقه در قبال یمن می‌باشد. ایران از نقش‌آفرینی در یمن، به دنبال کسب هژمونی و افزایش موقعیت منطقه‌ای در راستای تأمین و حفظ منافع خود، حتی با اعمال تهدیدها و فشارها بر مخالفان می‌باشد (Taha, 2022: p. 78). به‌طوری که در جریان تحولات سیاسی-اجتماعی این کشور، ایران و عربستان بنا به اهداف و منافع خاص خود مواضع متناقضی در پیش گرفته‌اند؛ حمایت مستشاری و سیاسی ایران از انقلابیون یمن و پس از آن جنبش انصارالله و در مقابل، حمایت عربستان و برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس از تثبیت اوضاع و تحکیم قدرت وابستگان دولت پیشین، سبب شده تا سرنوشت تحولات سیاسی این کشور برای دو

1. Discourse of resistance

2. Islamic Awakening

طیف مهم باشد (نجات و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۹). بدین‌سان، جمهوری اسلامی ایران با رصد نمودن تحولات در حوزه یمن تلاش می‌نماید تا با حفظ و افزایش قدرت مجموعه امنیتی محور مقاومت و با گسترش همکاری و تعامل با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، از تشدید بحران در این کشور ممانعت نماید. تهران از آغاز بحران در یمن همواره بر این نکته تأکید کرده که نمی‌توان به زور سلاح به بحران پایان داد و تنها راه برای حل این موضوع گفت‌وگوی سیاسی و مذاکره است.

به‌طور کلی، جبهه مقاومت یمن آثار و نتایج متعددی داشته که از آن میان می‌توان به ثبات و توسعه امنیت منطقه‌ای برای اعضای جبهه، شکل‌گیری و توسعه ساختار جدید قدرت و امنیت منطقه‌ای، شکست تروریسم در نقطه عزیمت آن و ممانعت از فروپاشی نظام سیاسی یمن اشاره نمود. از طرفی حضور فعالانه گروه‌های مقاومت در منطقه، حاشیه امنیتی مطمئنی را برای ایران و گفتمان مقاومت ایجاد کرده است. البته، حضور ایران در یمن بدون چالش نبوده و موانع متعددی پیش‌روی نقش‌آفرینی فعالانه و مؤثر آن وجود دارد؛ برخی از این چالش‌ها به‌واسطه تحرکات کشورهای مخالف جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده‌اند و برخی دیگر به‌صورت طبیعی پیش‌روی حضور ایران در صنعا قرار دارند. شناسایی این چالش‌ها و استخراج راهبردهای مناسب جهت بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدهای موجود، چهارچوب مسئله تثبیت حضور ایران در محور مقاومت در جبهه یمن را تشکیل می‌دهد و در این پژوهش مورد تمرکز قرار خواهد گرفت. از این‌رو، جمهوری اسلامی ایران در راستای تأمین امنیت ملی برای تثبیت نفوذ خود در عمق استراتژیک^۱ یمن در مواجهه با تهدیدات «غربی- عبری- عربی» و تحقق راه‌نامه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با عنوان دکترین «تهدید در پاسخ تهدید»، نیاز به تدوین راهبرد برای پایدارسازی نفوذ در جبهه مقاومت یمن را دارد که محقق این مسئله را به‌عنوان دغدغه در این تحقیق دارد؛ بنابراین مسئله اصلی این پژوهش عبارت از «تبیین راهبردها و ارزیابی شرایط و عوامل محیطی و پیرامونی تثبیت و پایدارسازی نفوذ جمهوری اسلامی ایران در جبهه مقاومت یمن» می‌باشد. در ادامه، نخست نگاهی به ادبیات، روش‌شناسی و مبانی نظری پژوهش خواهیم داشت و پس از آن فرصت‌ها، چالش‌ها و نقاط قوت و ضعف را بررسی و در نهایت راهبردها را بیان خواهیم کرد.

در این پژوهش از روش تحلیلی-تبیینی بهره گرفته شده و تلاش شده است تا راهبردهای تثبیت و پایدارسازی حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در یمن را با واکاوی اسناد راهبردی موجود، استنباط، تحلیل و تبیین نماییم. اطلاعات تحقیق نیز از طریق روش اسنادی با محوریت شیوه کتابخانه‌ای علمی-تخصصی و مدارک و مستندات مرتبط با موضوع گردآوری شده است. در روش کتابخانه‌ای، داده‌ها و ادبیات موضوع به‌وسیله جست‌وجوی کتابخانه‌ای، اینترنتی، رسانه‌ای و بانک‌های اطلاعاتی نظیر مقاله‌ها، نشریه‌ها، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌ها و کتاب‌ها به دست آمده است. همچنین کوشش نموده‌ایم تا آرا و دیدگاه‌های متفکران دانشگاهی و متخصصان و مراکز تحقیقاتی مرتبط نیز مورد استفاده و مذاقه قرار گیرد. با توجه به اینکه حاصل این تحقیق ارائه راهبرد است؛ فرضیه اصلی طراحی نشده است. قلمرو تحقیق از نظر زمانی، از ابتدای بیداری اسلامی یمن در سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲ می‌باشد. قلمرو مکانی تحقیق کشور یمن است و قلمرو موضوعی، راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در این کشور می‌باشد.

۱. پیشینه پژوهش

یکی از موضوعات اساسی که بعد از استقرار جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب آرمان‌های انقلاب اسلامی در حوزه سیاست خارجی وجود داشت، موضوع صدور انقلاب و حمایت از مظلومان و جنبش‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان و به‌ویژه در جهان اسلام بود. در سال ۲۰۱۱ به دنبال گسترش موج بیداری اسلامی در یمن و شکل‌گیری مقاومت اسلامی جنبش انصارالله در راستای مبارزه با تجاوز ائتلاف به رهبری عربستان سعودی، بحث حمایت همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران از حوثی‌های یمن به موضوع جذاب و مهم برای محافل عملی، دانشگاهی و سیاسی تبدیل شد. در رابطه با پیشینه تحقیق منبعی با عنوان دقیق پژوهش حاضر وجود نداشته، اما منابع مورد استفاده هرکدام با توجه به اهدافی که مورد نظر نویسندگان آن بوده، به بررسی جنبه‌ای از موضوع پژوهش پرداخته‌اند. از میان مطالعات انجام شده در این زمینه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

دیانی (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان «تبیین مقایسه‌ای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ‌های داخلی یمن و سوریه (۲۰۱۰-۲۰۲۰)»، با استفاده از روش توصیفی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در قبال بحران‌های غرب آسیا مورد بررسی قرار داده و این سؤال را مطرح می‌کند که چرا

ایران در بحران سوریه از ماندگاری نظام سیاسی بشار اسد حمایت می‌کند حال آنکه در بحران یمن خواستار سرنگونی نظام سیاسی دولت یمن است؟ محقق در پایان به این نتیجه می‌رسد که مقابله با صهیونیسم به‌عنوان اولویت اصلی سیاست خارجی تهران باعث گردیده سیاست خارجی آن در قبال بحران یمن و سوریه متناقض باشد؛ به‌گونه‌ای که در بحران سوریه از ماندگاری نظام سیاسی بشار اسد حمایت می‌کند حال آنکه در بحران یمن خواستار سرنگونی نظام سیاسی دولت یمن است.

رحیمی نژاد و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «انقلاب اسلامی ایران و تحولات ژئوپلیتیک شیعیان زیدی در یمن: ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۵» به این پرسش پاسخ می‌دهند که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری بر تحولات ژئوپلیتیک شیعی در یمن: ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۵ داشته است؟ نویسندگان تحقیق با استفاده از روش توصیفی به این نتیجه دست یافته‌اند که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روحیه انقلابی بین ملت‌ها تکامل یافته و در قالب آرمان‌های انقلاب اسلامی به دیگر کشورها نیز سرایت نموده و در اثر این تحول موجی از خودآگاهی و بیداری اسلامی، کشورهای اسلامی به‌خصوص جوامع شیعی را فرا گرفت. آموزه‌های تشیع و تفکر انقلابی امام خمینی^(ع) که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شدند، نقش مؤثری در گسترش تشیع و احیای شیعیان زیدی و تغییر ژئوپلیتیک شیعه در یمن داشته است.

حیدری و شیخی‌زاده (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان «الزامات حضور راهبردی جمهوری اسلامی ایران در یمن از منظر ژئوپلیتیکی»، با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی اهداف بنیادین و راهبردی جمهوری اسلامی ایران در یمن بعد از تجاوز عربستان سعودی به این کشور را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و بر این باور می‌باشند که حضور راهبردی جمهوری اسلامی ایران در یمن از نوع استراتژی دفاع فعال^۱ از منافع ملی کشور می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاکی از این می‌باشد که حضور جمهوری اسلامی ایران در یمن در راستای حفظ نفوذ منطقه‌ای و کنترل بر تنگه باب‌المندب در راستای حفظ جریان مستمر صادرات انرژی است.

رستمی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهش خود تحت عنوان «جنگ قدرت‌ها در یمن و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی بر این باور هستند که مسائل سیاسی-امنیتی منطقه بعد از تحولات بیداری اسلامی، نوعی به هم پیوستگی در میان بازیگران خاورمیانه به وجود آورده که این مسئله بر

تشدید دغدغه‌های امنیتی در این منطقه افزوده است. بر این اساس، امروزه بازیگران منطقه‌ای در خاورمیانه که دارای منافع متقابل هستند، عموماً جهت حفظ بقای خود، چهارچوب مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای را مورد توجه قرار داده‌اند. محققان در پایان نتیجه می‌گیرند حفظ یمن در واقع کمک به حفظ بقای تهران بوده و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک بازیگر فعال و هژمون منطقه‌ای از زمان شروع و اوج‌گیری بحران یمن تلاش نموده در راستای تأمین امنیت منطقه‌ای خود، رویکرد حمایت‌گرانه و امنیتی را در قبال دولت-ملت در یمن اتخاذ نماید.

دهشیری و معبودی (۱۳۹۶)، در تحقیق خود با عنوان «ارزیابی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن» با تشریح رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن و با در نظر گرفتن ارزش‌ها و اصول کلی حاکم بر سیاست خارجی و توجه به شرایط امنیتی حاکم بر منطقه، به ارزیابی راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقطع کنونی، با استفاده از نظریه مجموعه امنیتی باری بوزان^۱ و تلاش‌های عربستان سعودی برای امنیتی کردن امور منطقه‌ای می‌پردازند. مقاله سپس به تبیین راهبرد پیشنهادی فراروی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن می‌پردازد و با واکاوی راهبرد امنیت‌زدایی که بر رویکرد مسالمت‌آمیز و مشارکت‌جویانه بنا نهاده شده است آن را موجب شکستن فضای امنیتی حاکم بر منطقه خلیج فارس و اهتمام به سیاسی کردن بحران و سرانجام عادی‌سازی شرایط منطقه می‌داند.

فیروز کلائی (۱۳۹۴)، در تحقیق خود با عنوان «تحلیلی بر مهم‌ترین علل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان به یمن»، مهم‌ترین دلایل حمله ائتلاف عربستان به یمن را موقعیت ژئوپلیتیک یمن، همسایگی با عربستان، اتحاد عربستان با ایالات متحده، رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان به‌منظور گسترش نفوذ خود در آینده یمن، هراس عربستان از شکل‌گیری حکومت دموکراتیک در یمن و در نهایت مهار انصارالله و به قدرت رساندن منصور هادی می‌داند و به تشریح قسمتی از اوضاع کنونی یمن و حمله عربستان به یمن پرداخته است.

تلاشان (۱۳۹۱)، در تحقیق خود با عنوان «انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه در یمن» با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی معتقد است شیعیان زیدی تا سال ۱۹۶۲ بر سرزمین یمن حکومت می‌کردند که با کودتا برکنار شده و دوره انزوای ژئوپلیتیک آن‌ها آغاز و فشار حکومت به همراه ضعف رسانه باعث

استمرار انزوا گردید. انقلاب اسلامی موجب احیای تشیع و رجعت زیدیان گرویده به وهابیت گردید. بزرگان و علمای زیدی تفکرات حضرت امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) را مبنای خود قرار داده و قدرتمندترین جریان سیاسی در برکناری علی عبدالله صالح بودند.

وجوه اشتراک پژوهش حاضر با پیشینه‌های یاد شده این است که در تمام پیشینه‌ها به سرنگونی دولت یمن که تحت قیمومیت عربستان سعودی است پرداخته و همچنین به حفظ یمن با محوریت انصارالله تأکید شده است. وجوه اختلاف این تحقیق با پیشینه‌های یاد شده این است که اغلب آن‌ها انقلاب اسلامی را عامل توسعه تفکر شیعی و احیاگر شیعه زیدی در یمن دانسته‌اند و همچنین به دنبال حاشیه رفتن تفکر وهابیت در یمن و رقابت ایران با عربستان سعودی در یمن هستند. نوآوری تحقیق پیش‌رو این است که به دنبال توسعه عمق راهبردی انقلاب اسلامی در یمن برای ایجاد امنیت منطقه‌ای بومی شده و امنیت انصارالله را در قالب گفتمان مقاومت مقوم امنیت جبهه مقاومت بیان کرده است.

۲. چهارچوب نظری

«گفتمان مقاومت»^۱ به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از کلان گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمانی اصیل و ریشه‌دار و مبتنی بر مبانی محکم اسلامی است که بر اساس تجربه چهل‌ساله جمهوری اسلامی، به‌مثابه راهبردی مطلوب برای مقابله با نظام سلطه در عرصه بین‌الملل در شرایط هجمه همه‌جانبه، برای رسیدن به چشم‌اندازهای ترسیمی نظام و جلوگیری از توفیق پروژه نفوذ و فریب دشمن مطرح می‌شود (افتخاری و حکیمی، ۱۳۹۹، ص. ۲۰۲). در حقیقت پدیداری، پایداری و باروری «اندیشه مقاومت» که امروز به مؤلفه‌ای تعیین‌کننده و قدرتمند در معادلات منطقه و جهان اسلام تبدیل شده، یکی از تأثیرات بسیار مهم و راهبردی انقلاب اسلامی است که متأثر از آرمان‌ها، ارزش‌ها و اندیشه‌های انقلابی بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی ایران و تدابیر و تصمیم‌های دور اندیشانه و راهبردی مقام معظم رهبری است. بر همین اساس، اندیشه مقاومت به‌مثابه یکی از مهم‌ترین ارکان اندیشه سیاسی امام خمینی^(ره) با مؤلفه‌هایی هم چون ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی، روحیه جهادی و تقویت هویت دینی همراه بوده و مهم‌ترین اصول آن عبارت‌اند از: «قطع امید از دولت‌های بیگانه».

«فراگیری، همگانی و مردمی کردن مقاومت»، «باور به هدف الهی مقاومت»، «دشمن‌شناسی، داشتن استراتژی بلندمدت و داشتن استقامت تا نابودی آخرین پایگاه‌های دشمن»، «جهانی‌سازی مقاومت و ایجاد جبهه جهانی مقاومت و نگاه فرامکانی و فرازمانی به مقاومت» و «داشتن نگاه تهاجمی در عرصه مقاومت و پرهیز از نگاه انفعالی و تدافعی» (حقیقت و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۲۱۷).

از دیدگاه امام خمینی^(ره) حفظ اتحاد جوامع اسلامی در برابر دسیسه‌های دشمن همچون ایجاد دودستگی و رواج فرقه‌گرایی، جز با مقاومتی آگاهانه انجام نمی‌پذیرد؛ بنابراین، وحدت امت اسلامی که حاصل مقاومتی برآمده از آگاهی نسبت به اهداف دشمن باشد، سرسخت‌ترین دشمنان را نیز به ستوه خواهد آورد. مهم‌ترین مبنای اندیشه ایشان در راستای تحقق دعوت جوامع به پایداری و مقاومت در تقابل با ظلم و استکبار، به‌مثابه یک فریضه الهی می‌باشد و تنها رمز استیلا و پیروزی مسلمانان در تمامی زمینه‌ها را مقاومت معرفی می‌نمایند: «برای من، مکان مطرح نیست؛ آنچه مطرح است، مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه صورت بگیرد، آنجا خواهیم بود. خدای تبارک و تعالی ما را مکلف کرده که با این‌طور اشخاص، با این‌طور ظلم، با این‌هایی که اساس اسلام را دارند متزلزل می‌کنند و همه مصالح مسلمین را دارند به باد می‌دهند، ما مکلفیم که با این‌ها مبارزه کنیم. اگر یک وقتی هم دستمان برسد، دست به تفنگ می‌کنیم و مبارزه می‌کنیم. خودمان تفنگ به دشمنان می‌کنیم و معارضه می‌کنیم» (امام خمینی، ج ۳، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۴). در منظومه فکری مقام معظم رهبری در زمینه اندیشه مقاومت، «جهت حرکت جامعه اسلامی باید ضد استکباری و ضد سلطه باشد؛ از این‌رو، وعده الهی این است که اگر اهل حق پای حق خودشان بایستند، حق پیروز خواهد شد. در همه مراحل این‌طور است؛ در دوران انقلاب این را تجربه کردید، در دوران جنگ تجربه کردید، در دوران اسارت تجربه کردید، در دوران بعد از پایان جنگ که ملت ایران در صدد بنای دوباره کشور خود برآمد این را تجربه کردید؛ در آینده هم باید این را یقین داشته باشید که عملی است. هر جا دیدید که دشمنی زورگویی می‌کند، در مقابل او بایستید. این، وظیفه آحاد مردم، دولت‌مردان، نمایندگان مردم و کسانی است که این مملکت مسئولیتی را به آن‌ها سپرده است. در مقابل دشمن متجاوز، در مقابل زورگوی ظالم، در مقابل استکباری که امروز بر ارزش‌های الهی و معنوی طغیان کرده است که مظهرش هم دولت طاغوت و طغیانگر آمریکا است کوتاه نیایید. قدرتهای مادی، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. با ملتی که ایستاده و به نیروی خود تکیه کرده است، هیچ کاری

نمی‌توانند بکنند. همه راه‌ها به روی آن‌ها بسته است» (صلح میرزایی، ۱۳۹۸، ص. ۱۶). از این‌رو، انقلاب اسلامی که بر پایه اسلام‌خواهی، عدالت و مقاومت در برابر نظام سلطه شکل گرفته، نه تنها هرگز نمی‌تواند با نظام سلطه که به دنبال استعمار و استکبارند، همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشد؛ بلکه همواره به دنبال تغییر معادله حاکم بر جهان؛ یعنی سلطه‌جو و سلطه‌پذیر است. لذا، از جمله مؤلفه‌ها و مبانی که بایسته است در زمینه مسئله مقاومت به آن اشاره شود، استکبارستیزی است که جزو شاخصه‌های مهم رهنمودهای مقام معظم رهبری در باب اندیشه مقاومت می‌باشد؛ بنابراین، بُعد سلبی دیگر اندیشه مقاومت، نفی استکبار و استبدادستیزی است. این عنصر؛ یعنی نفی استبداد نیز یکی از ابعاد و نیز مبانی اندیشه مقاومت انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد (دهقانی فیروزآبادی و صادق‌الحسینی، ۱۳۹۱).

در طرح کلی مبانی اندیشه مقاومت رهبر معظم انقلاب، جهاد و فرهنگ جهادی تا بدان حد اهمیت دارد که ایشان در این زمینه فرمودند: «[امروز] جنگ نظامی مطرح نیست؛ امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار ضعیفی است لکن جهاد باقی است؛ جهاد یک‌چیز دیگر است. جهاد فقط به معنای قتال نیست، فقط به معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد یک معنای بسیار وسیع‌تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر»^۱ نام نهاده: وَ جِهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا کَبِیْرًا؛ در سوره مبارکه فرقان است؛ «به» یعنی به قرآن، «جهدُهُم به» یعنی به وسیله قرآن با آن‌ها جهاد کن؛ جهاداً کبیراً. این آیه در مکه نازل شده. درست توجه کنند جوان‌های عزیز! در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمان‌ها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آن‌ها می‌کردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه شریفه می‌گوید: وَ جِهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا کَبِیْرًا. آن کار دیگر چیست؟ آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت [است]. قَالَ تَطِيعِ الْکَافِرِیْنَ وَ جِهْدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا کَبِیْرًا؛ از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر» (بیانات، خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۰۳). با مروری در بیانات و اندیشه مقاومت رهبری می‌توان دریافت که اگر فرهنگ شهادت طلبی و ایثارگری نبود، نه انقلاب به پیروزی می‌رسید و نه نظام اسلامی دوام می‌یافت. اهمیت این موضوع سبب شده که روحیه شهادت و شهادت طلبی به‌عنوان یکی دیگر از مبانی اندیشه مقاومت رهبری مطرح

باشد. از این رو بنابر دیدگاه مقام معظم رهبری راه پر افتخار و عزت‌مندانه ملت ایران و ناکامی دشمن ادامه داشته و دارد: «ملت ایران با فداکاری شهیدانش و با صبر و پایداری آزادگان و جانبازانش و با گذشت و بزرگواری خاندان‌های آنان، توانست خود را به قله‌های عزت برساند و راه روشن خود به‌سوی آینده را بگشاید» (مکتوبات، خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۷/۰۴). با توجه به دیدگاه رهبری مبنی بر رکن بودن فرهنگ شهادت و شهادت طلبی و نیز با بررسی قرآن کریم و روایات معصومان^(ع) می‌توان گفت که فرهنگ شهادت طلبی^۱، یکی از مهم‌ترین راهکارهای اجتماعی دین برای تحصیل هدف پیشین است. یکی دیگر از مبانی قابل توجه در اندیشه مقاومت رهبری، مسئله «خودباوری» و «استقلال» است. رهبر معظم انقلاب، مقوله استقلال و خودباوری و مقابله با قدرت‌های مداخله‌گر و سلطه‌جو را یکی از پایه‌های اصلی انقلاب اسلامی به شمار می‌آورند: «استقلال» به معنای قهرکردن با کشورها نیست، بلکه به معنای مقابله با قدرت‌های مداخله‌گر و نفوذ کشورهاست که نتوانند منافع آن کشور و ملت را، تحت‌الشعاع منافع خودشان قرار دهند؛ این معنی استقلال است و این مهم‌ترین هدف برای یک کشور است (بیانات، خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹). پر واضح است «مقاومت اسلامی»^۲ در منظومه فکری امام خامنه‌ای یک مفهوم چند بُعدی است که به‌عنوان دال مرکزی گفتمان انقلابی^۳ محسوب می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۹، ص. ۱۹۹). با توجه به اهمیت و ضرورت مبانی اندیشه مقاومت رهبری، توصیه راهبردی ایشان، ترویج این اندیشه به‌صورت نظری و عملی است؛ به‌گونه‌ای که به چهارچوبی برای «گفتمان‌سازی»، «شبکه‌سازی» و «جریان‌سازی» مقاومت در برابر نظام سلطه نه تنها در جغرافیای ایران اسلامی، بلکه در قلمرو حضور همه ملت‌های آزاده جهان تبدیل شود.

۳. فرصت‌های نفوذ جمهوری اسلامی ایران در یمن

۳-۱. تغییر موازنه قوا^۴ در غرب آسیا

به دنبال بیداری اسلامی در غرب آسیا و در پی آن با ظهور خیزش‌های اسلامی در کشورهای عربی، جلوه‌های جدیدی از معادله قدرت در حال شکل‌گیری است. در

1. martyrdom culture
2. Islamic Resistance
3. Revolutionary Discourse
4. Balance of power

واقع، افول نظام‌های سیاسی خودکامه، زمینه‌های ظهور بازیگران جدید در محیط امنیتی منطقه را اجتناب‌ناپذیر ساخته است؛ فرایند جاری، تعادل و موازنه قوا را در غرب آسیا به هم ریخته و جایگاه منطقه‌ای کشورها در حال تغییر می‌باشد. وضعیت موجود در غرب آسیا به عنوان دوران گذار، شکل‌دهی به آینده منطقه را تا حد زیادی ترسیم می‌کند (علائی، ۱۳۹۱، ص. ۸۶۲). با تغییر اوضاع در غرب آسیا، نقش محوری آمریکا در خلیج فارس و ژئوپلیتیک منطقه تضعیف خواهد شد و شرایط به نفع جمهوری اسلامی ایران در توسعه روابط با کشورهای منطقه پی خواهد رفت.

۲-۳. هم‌گرایی سیاست خارجی جنبش انصارالله و جمهوری اسلامی ایران

با شعله‌ور شدن بحران یمن، بسیاری از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به صورت مستقیم در یمن حضور یافته و در این بحران ایفای نقش کرده و برخی دیگر از کشورها به صورت غیرمستقیم و خارج از مرزهای یمن سعی در کنترل آن در راستای منافع خود بوده‌اند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران فعال منطقه‌ای بی‌تأثیر از این بحران نبوده و خارج از مرزهای یمن به رصد تحولات آن پرداخته و سعی در کمک به پایان یافتن این بحران داشته و با نظر به اشتراکات هویتی خود و جنبش انصارالله، همگرایی آنان در عرصه سیاست خارجی و تعاملات فرامرزی مرتبط با یمن افزایش یافته است (حاتمی، ۱۴۰۰، ص. ۴۲). در واقع؛ اشتراکات هویتی ایران و انصارالله در مؤلفه‌های کلان انقلابی‌گری و اسلام‌گرایی، همگرایی آنان را در عرصه سیاست خارجی به دنبال داشته و باعث شده تا ایران از انصارالله یمن به صورت رسانه‌ای و سیاسی حمایت به عمل آورد.

۳-۳. نفوذ گفتمان مقاومت جمهوری اسلامی ایران بر کشورهای منطقه

یکی از فرصت‌های مناسب و پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران، پتانسیل بالا در به‌کارگیری اصول دیپلماسی عمومی برای تأثیرگذاری بر کشورهای منطقه مانند لبنان، عراق، یمن و افغانستان است. در واقع، یکی از عوامل مهم هویت ایران عامل ارزش‌های اسلامی و ارزش‌های شیعی است که می‌تواند عاملی بسیار مهم در افزایش نفوذ در کشورهای منطقه با تمرکز بر جمعیت مسلمانان و شیعیان باشد (ارجمند، ۱۳۹۴، ص. ۱۱). در این راستا، از جهت گرایش‌های اعتقادی و سیاسی شیعیان یمن بالأخص انصارالله با ایران ارتباط، قرابت و نزدیکی زیادی دارند و همین موضوع سبب شده که ساکنان آن از حکومت دینی ایران به عنوان رهبر جهان تشیع، به دنبال الگوبرداری باشند و

این موضوع زمینه‌ساز عمیق شدن قدرت تهران و کاهش قدرت عربستان و وهابیت در این کشور شده است.

۳-۴. شکاف و افتراق میان کشورهای ائتلاف سعودی علیه یمن

وجود اختلاف‌های گسترده بر سر مسائل ارزی و بهره‌برداری از میدان‌های گاز و چاه‌های نفت بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، به‌عنوان اعضای اصلی ائتلاف حمله به یمن، همچنین نبود اتفاق نظر بر سر چگونگی شکل‌گیری حکومت در یمن، شکننده بودن ائتلاف حمله به یمن را نمایان می‌کند (دهشیری و معبودی، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۱). نظر به بی‌نتیجه بودن تهاجم به یمن، عربستان سعودی که تلاش بسیاری در قانع کردن سایر اعضای ائتلاف برای نشان‌دادن اهمیت و منفعت تمامی کشورهای عربی در پیروزی این حمله داشت، می‌توان اختلاف‌های گفته شده را به‌عنوان نشانه‌ای برای ایجاد شکاف که خود عامل مهمی در فراهم‌سازی آتش‌بس در یمن محسوب می‌شود، دانست.

۳-۵. شکل‌گیری و افزایش قدرت محور مقاومت اسلامی^۱ در غرب آسیا

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر مهم‌ترین هدف آمریکا از طرح خاورمیانه بزرگ، اجرای تغییراتی بود که بتواند منافع استراتژیک آمریکا را در منطقه حفظ کند. این تغییرات، ژئوپلیتیک قدرت را به‌طور بنیادی در جهت منافع آمریکا تغییر می‌داد و موقعیت رژیم صهیونیستی را در منطقه غرب آسیا تثبیت می‌کرد؛ اما اجرای این طرح نتایج مطلوبی را برای ایالات متحده در منطقه به همراه نداشت؛ چرا که به قدرت رسیدن گروه‌هایی چون حماس در انتخابات فلسطین و همچنین موفقیت حزب‌الله لبنان به‌عنوان جبهه دیگر مقاومت در جنگ ۳۳ روزه علیه رژیم صهیونیستی، راهبردهای آمریکا و رژیم صهیونیستی را در منطقه دچار چالش کرد (ستوده و محمدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۲۷). از سوی دیگر، اقدام دولت آمریکا برای تضعیف دولت سوریه پس از گذشته چندین سال تلاش بی‌نتیجه بوده و حکومت بشار اسد به‌عنوان یکی از حامیان محور مقاومت در منطقه همچنان در قدرت است ضمن اینکه اقدامات ائتلاف سعودی علیه مردم یمن نتیجه مطلوبی نداشته است. در مجموع، جبهه مقاومت اسلامی توانسته

است جایگاه خود را در منطقه حفظ کند و اکنون به‌عنوان یک چالش جدی در مقابل راهبرد ایالات متحده در خاورمیانه قلمداد شود.

۳-۶. راهیابی انصارالله به قدرت سیاسی

به دنبال پیدایش بیداری اسلامی در کشورهای مختلف غرب آسیا، یمن نیز دستخوش تحول قرار گرفته و در نتیجه مبارزات مردم انقلابی یمن، علی‌الله صالح پس از چند دهه حکومت، از قدرت برکنار شد. البته، این برکناری نیز نتوانست خواسته‌های انقلابیون و در رأس آن جنبش انصارالله را محقق نماید و به همین منظور، درگیری‌های داخلی برای کسب قدرت و ایجاد اصلاحات مدنظر انقلابیون در یمن ادامه یافت و در نهایت، به پیروزی جنبش انصارالله در این منازعات و کسب قدرت به دست این جنبش منجر شد (تلاشان، ۱۳۹۱، ص. ۲۷). جنبش انصارالله که جنبشی ریشه‌دار و با نفوذ در کشور یمن است، به دنبال خارج کردن یمن از زیر سلطه آمریکا و عربستان سعودی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی آن می‌باشد. ایجاد نظم سیاسی و ساختارسازی در کنار سازمان‌دهی نظامی و لجستیکی و شکل‌گیری ایدئولوژی و البته تعیین مرزهای دوستی و دشمنی از جمله دستاوردهای انصارالله از جنگ یمن بوده است (محسنی، ۱۴۰۱، ص. ۲۰۱).

۴. تهدیدات نفوذ جمهوری اسلامی ایران در یمن

۴-۱. حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا

غرب آسیا با موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود و برخورداری از منابع عظیم انرژی، در طول تاریخ همواره کانون توجهات قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده و موجب شده ایالات متحده آمریکا به‌عنوان قدرت بزرگ جهانی توجه خاصی به این منطقه داشته و بر اساس منافع خود، نظم جدیدی را در این منطقه پیگیری کند. راهبرد ایالات متحده در سامان‌دهی این نظم جدید پس از فروپاشی شوروی دستخوش تغییر شد و با فاصله گرفتن از هژمونی کلاسیک و تحمیلی که مبتنی بر زور و اقدام نظامی بود، به سوی هژمونی ملایم مبتنی بر همکاری با حداقل منافع مشترک کشورهای منطقه غرب آسیا سوق پیدا کرد (ستوده و محمدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۳۲). اهمیت غرب آسیا برای ایالات متحده تا حدی است که بیشترین هزینه‌های نظامی-امنیتی طول تاریخ خود را در این منطقه انجام داده و در راستای برقراری این نظم جدید منطقه‌ای به مقابله با نیروهای

ضد هژمون^۱ همچون ایران و جبهه مقاومت در منطقه پرداخته و تلاش کرده در راستای دولت سازی برای بهبود نظام‌های سیاسی منطقه اقدام و در سایه این اقدامات با کنترل منابع انرژی، هژمونی خود را به شکلی ملایم در منطقه حاکم نماید.

۴-۲. بازسازی ائتلاف کشورهای عربی منطقه با آمریکا

یکی از تحولات اساسی در امنیت منطقه‌ای خلیج فارس در شرایط کنونی، میل به ائتلاف و اتحاد کشورهای عربی منطقه با آمریکا به منظور مدیریت بحران‌های امنیتی منطقه غرب آسیا به‌ویژه سوریه و یمن می‌باشد. بدون شک بازسازی اتحاد و ائتلاف برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به رهبری عربستان با واشینگتن برای مقابله با تهدیدات و چالش‌های منطقه خصوصاً در مورد سوریه و یمن به‌عنوان نقطه عطفی در سیاست خارجی این کشورها محسوب می‌شود. در واقع، مقابله با ایران مهم‌ترین اولویت کشورهای خلیج فارس می‌باشد؛ نقاط اشتراک همکاری‌های دفاعی و امنیتی اعراب و ایالات متحده در نگرانی از نفوذ سیاسی، نظامی ایران در منطقه، همکاری امنیتی ایران و روسیه در مبارزه با تروریسم به‌ویژه در جنگ داخلی سوریه، نقطه عطفی در معادلات بین‌المللی تلقی شده به‌طوری که تقویت ائتلاف دفاعی و امنیتی ایران، روسیه، سوریه و عراق موجبات تضعیف موقعیت ایالات متحده آمریکا و متحدان آن را فراهم کرده است. لذا، این کشورها از طریق ائتلاف با واشینگتن به دنبال پیشبرد اهداف منافع ملی از طریق تعمیق و گسترش روابط دوجانبه در حوزه‌های امنیتی و نظامی هستند و ترتیبات خاصی را برای داشتن روابط عمیق در رسیدن به اهدافشان ارزیابی می‌کنند.

۴-۳. شکل‌گیری ائتلاف عبری-عربی^۲ در غرب آسیا

روند تحولات سیاسی ژئوپلیتیک غرب آسیا، مبین این واقعیت است که مناسبات و روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی با یک دگردیسی ماهیتی از مرحله تعارض و تقابل تاریخی به سطحی از همکاری نیمه علنی تغییر یافته که عصر نوینی در تاریخ پیچیده و پرفراز و نشیب دو کشور محسوب می‌شود. ویژگی برجسته این عصر، گذر از برخی اختلافات گذشته و تمرکز بر تهدید مشترک است. در واقع، نخبگان سیاسی عربستان و رژیم صهیونیستی به این درک و فهم مشترک رسیده‌اند

1. Anti-hegemon

2. Hebrew-Arab coalition

که در شرایط فعلی تهدیدات ایران از اولویت و ارجحیت بیشتری نسبت به اختلافات آن‌ها برخوردار است (اختیاری و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۰). جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را می‌توان نماینده دو محور و بلوک قدرت فرض نمود؛ یک سو محور مقاومت که ایران نماینده آن است و سوی دیگر محور غربی-عبری-عربی که از تصمیمات عربستان سعودی حمایت می‌کند (رضایی و شریعتی، ۱۴۰۰: ص. ۳۵۹)؛ بنابراین، هدف ائتلاف نوظهور غربی-عبری-عربی ایجاد موازنه تهدید در مقابله با تهدیدات ایران تلقی می‌شود.

۴-۴. کشمکش‌های قومی و مذهبی در غرب آسیا

تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه غرب آسیا نشانگر وجود بحرانی عمیق در پس‌زمینه‌ها و حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این جوامع می‌باشد. در این میان، خاورمیانه عربی با دارا بودن کمتر از ۵ درصد جمعیت جهان، به کانون محوری تعارض‌های هویتی و خشونت‌های قومی- مذهبی مبدل شده به طوری که یک چهارم این نوع خشونت‌ها در سطح جهانی را به خود اختصاص داده است (Ibrahim, 2002, p. 229) در واقع، حل بحران هویت و مشروعیت و رسیدن به هویت فراگیر ملی و دولت مشروع، می‌تواند به مثابه چتر بزرگ برای صلح و پایان‌دادن به رقابت‌ها و ستیزهای قومی - مذهبی و تکفیری عمل کند اما دریغ که هنوز اقدامات و اراده جمعی و سیاسی در این خصوص، حاصل نشده و در حال حاضر خشونت در منطقه پایان‌ناپذیر به نظر می‌رسد. این در حالی است که بحران دولت-ملت‌سازی و بحران هویت و مشروعیت سیاسی ناشی از آن، نقش ماهوی، ژرف و مهم در ایجاد و بسترسازی برای تروریسم و خشونت قومی- مذهبی داشته است.

۴-۵. رشد ایران‌هراسی^۱ در سطح منطقه‌ای و جهانی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ باعث شکل‌گیری و ظهور بازیگر جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل شد که به صورت آشکار در برابر سلطه بلامنازع و هژمونی آمریکا و سیاست‌های امپریالیستی این کشور در غرب آسیا اختلال ایجاد کرده و قدرت آن را به چالش کشید. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین راهبردهای واشینگتن برای تضعیف و منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران، پروژه ایران‌هراسی بود که بر اساس آن، ایران

1. Iran-phobia

به‌عنوان تهدیدی بزرگ در منطقه و همچنین تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی مطرح و به‌عنوان یک متغیر مزاحم و بازیگر اخلاط‌آفرین در نظام بین‌الملل به تصویر کشیده می‌شود (علوی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۵۲). در پی تهدیدهای آمریکا و واهمه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، اتحادی در برابر جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته و شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ در راستای این پروژه آمریکایی آغاز به کار نمود (جمال‌زاده و آقایی، ۱۳۹۴، ص. ۲۱). نظر به سیاست‌های استکباری آمریکا و تأثیر آن بر کشورهای خلیج فارس، از جمهوری اسلامی ایران در بسیاری از کشورهای عربی و همچنین جهان غرب چهره مناسبی به نمایش گذاشته نشده که این امر یک تهدید مهم علیه امنیت ملی ایران قلمداد می‌شود.

۴-۶. رادیکال‌شدن فضای منطقه از طریق شکاف شیعه و سنی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شیعه هراسی همواره از سوی دشمنان جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف کاهش قدرت ایران تقویت شده که این مسئله یکی از تهدیدهای مهم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین بازیگران در عرصه رادیکالی کردن اختلافات شیعه و سنی در منطقه ایالات متحده آمریکا است. به نظر می‌رسد واشینگتن از راهبردهای خاصی از جمله شیعه‌هراسی برای ایجاد شکاف در منطقه بر ضد دولت‌های شیعی و ایران بهره می‌گیرد. در این راستا، شیعه هراسی ابعاد سیاسی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی و اعتقادی داشته، عوامل آن فرهنگ پویای شیعه، موقعیت ژئوپلیتیکی شیعه، پیروزی‌ها و توانمندی‌های شیعیان در رویارویی با دشمنان، امکان صدور انقلاب، مطرح شدن جنگ تمدن‌ها و نگرانی غرب از پیروزی شیعیان در این جنگ‌هاست. به‌طور کلی، هدف اصلی از طرح هلال شیعی را می‌توان ایجاد تنش و درگیری و راه انداختن جنگ میان شیعیان و اهل تسنن دانست.

۴-۷. تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران

یکی از مهم‌ترین تهدیداتی که جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه است تحریم‌های بین‌المللی می‌باشد که با هدف کاهش نفوذ ایران در منطقه اعمال می‌شود. تقریباً تمامی تحریم‌های علیه دولت ایران از جانب آمریکا بوده و یا به تحریک آن شکل گرفته است. به‌طوری که در سال‌های اخیر ایالات متحده برای افزایش فشار بر جمهوری اسلامی ایران، با مطرح کردن پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت، نگاه سازمان

ملل و اتحادیه اروپا را نیز به سوی خود جلب کرد. بدین ترتیب شورای امنیت و اتحادیه اروپا نیز به صورت مستقل به اتخاذ موضع تحریم علیه ایران پرداخته‌اند (یاری و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۷۸). واشنگتن همواره از این شیوه برای کاهش قدرت ایران استفاده کرده تا تهران با مشغول شدن به امور داخلی و بحران‌های اقتصادی خود بر وضعیت کشور تمرکز کرده و تمرکزش برای افزایش نفوذ در منطقه کاهش یابد.

۴-۸. ظهور گروه‌های بنیادگرای اسلامی در منطقه غرب آسیا

شکل‌گیری گروه‌های بنیادگرای اسلامی مانند القاعده، طالبان^۱، داعش^۲ و جبهه‌النصره^۳ در غرب آسیا که متأثر از فرقه وهابیت در قالب فعالیت‌های گروه‌های افراطی- تروریستی نمود پیدا کرده، به شکلی اساسی بر روندهای سیاسی این منطقه تأثیر گذاشته و این تأثیرگذاری علاوه بر ابعاد داخلی دولت‌ها، در سطح ژئوپلیتیک منطقه‌ای نیز قابل مشاهده است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به خاطر هویت شیعی و غیرعربی خود و نیز نزدیک بودن به کانون شکل‌گیری این گروه‌های تکفیری و سلفی در معرض مستقیم تهدیدات آن‌ها قرار دارد.

۵. نقاط قوت نفوذ جمهوری اسلامی ایران در یمن

۵-۱. اقتدار و ثبات سیاسی^۴ نظام جمهوری اسلامی ایران

اقتدار جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر مردم و قدرت کشور بوده و مشارکت بالای مردم در انتخابات، مشارکت در جامعه مدنی، احزاب، تعامل نخبگان و مشروعیت نظام اسلامی از جانب مردم و رشد قابل توجه در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و دفاعی نشان‌دهنده ثبات نسبی در وضعیت کنونی کشور می‌باشد (تقوی، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۶)؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران با بهره‌مندی از این فرصت یعنی مقبولیت و مشروعیت حکومت مرکزی با ثبات خود می‌تواند با حمایت اکثریت جامعه در رویدادهای بین‌المللی از جمله بحران‌های منطقه‌ای نقش مؤثری ایفا نماید.

1. Taliban

2. Islamic State in Iraq and Syria (ISIS)

3. Jabhat al-Nusra

4. Political stability

۲-۵. جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران در منطقه

جمهوری اسلامی ایران دارای موقعیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی در منطقه است؛ جایگاه ژئوپلیتیک ایران در دریای خزر و آسیای مرکزی با موقعیت خاص این کشور در خلیج فارس که کنترل بیش از نیمی از منطقه را در دست دارد، عامل مهمی است که منابع و نقش آفرینی ایران را در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی گسترش می‌دهد. در دهه‌های اخیر نیز ژئوپلیتیک انرژی^۱ و امنیت آن در مناسبات بین‌المللی از اهمیت بالایی برخوردار شده و جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن منابع غنی انرژی از دو جنبه تولید و انتقال آن، در کانون توجه کشورهای جهان بوده است؛ ایران از یک‌سو، در مرکز بیضی استراتژیک دو انرژی نفت و گاز قرار داشته و از سوی دیگر در مسیر انتقال آن به بازارهای بزرگ مصرف یعنی اروپا و جنوب و شرق آسیا قرار گرفته که این ویژگی‌ها موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ویژه‌ای به آن داده است.

۳-۵. پیشرفت‌های علمی در زمینه صنایع دفاعی و موشکی

جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط محیطی و امنیتی و تهدیدات پیش‌روی خود، ناگزیر از انتخاب «بازدارندگی موشکی»^۲ به‌مثابه راهبرد اصلی در حفظ و تأمین امنیت ملی خود است که به چالش کشیدن این بازدارندگی، اثرات مخربی بر امنیت ملی ایران می‌گذارد (سجادی و حاتمی، ۱۳۹۸، ص. ۹۴). در حال حاضر ایران در زمینه صنایع دفاعی به‌ویژه حوزه‌های موشکی مانند موشک‌های کروز، بالستیک و حتی موشک‌های ماهواره‌ای توانسته است به پیشرفت‌های چشم‌گیری دست یابد. بر این اساس اهداف تهران برای به‌کارگیری راهبرد پیشگیرانه محقق شده و کشورهای رقیب همواره تلاش کرده‌اند تا حمله نظامی را از لیست گزینه‌های پیش‌رو در برابر جمهوری اسلامی خارج کنند.

۴-۵. ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که از نقاط بارز قدرت این کشور در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود، ارزش‌های انقلاب اسلامی است؛ جمهوری اسلامی ایران بر پایه گفتمان انقلاب اسلامی، با تقویت حس انقلابی و حمایت معنوی

1. Energy geopolitics
2. Missile deterrence

و سیاسی از جنبش شیعیان در کشورهای منطقه تلاش کرده است تا با استقرار حکومت شیعی و هم‌پیمان، قلمروی نفوذ منطقه‌ای خود را وسعت بخشد (ارغوانی و آرایش، ۱۴۰۱، ص. ۱۵). در حال حاضر بسیاری از تحلیلگران ریشه بیداری اسلامی و براندازی دیکتاتورهای جهان عرب را بهره‌گیری از اصول صدور انقلاب اسلامی ایران و ارزش‌های انقلابی به کشورهای عربی می‌دانند که مقدمه برقراری صلح و امنیت به دور از حکومت دیکتاتوری و بر مبنای دموکراسی اکثریت را در غرب آسیا ایجاد کرده است. جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از این اصول و رسالت انقلابی خود به‌عنوان نقاط قوت می‌تواند در ریشه‌کنی جریان‌های افراطی و تکفیری مؤثر باشد.

۵-۵. ایدئولوژی شیعه^۱ و نظام ارزشی آن

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک تحول بزرگ در کانون جغرافیایی جوامع شیعی رخ داده و پس از آن ایران با ماهیت انقلابی و شیعی تلاش کرده تا نقش‌آفرینی خود را در عرصه جهانی و منطقه‌ای آغاز کند. قدرت‌یابی شیعه در کانون (ایران) یا به عبارتی برخوردار شدن آن از ماهیت ژئوپلیتیک، باعث شده تا حوزه نفوذ ایران در مناطق پیرامونی گسترش یابد. تحولات عراق و روی کار آمدن دولت شیعی؛ پیروزی‌های حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه علیه رژیم صهیونیستی که مستقیماً با ایران در ارتباط است؛ پیروزی‌های شیعیان بحرین در عرصه‌های سیاسی این کشور و سرانجام اقدامات انصارالله در یمن، همگی نشان می‌دهند که شکل‌گیری هلال شیعی در حال تکامل و پیشرفت است (معروف، ۱۳۹۲، ص. ۲۷۱).

۶. نقاط ضعف نفوذ جمهوری اسلامی ایران در یمن

۱-۶. آرمان‌گرا بودن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران از یک طرف در ارتباط با راهبرد صدور انقلاب^۲ بر آگاه کردن مسلمانان تأکید دارد که نگرش تکامل‌گرای انقلاب اسلامی دیدگاه آرمان‌گرایانه‌ای را در روابط بین‌المللی معاصر به ظهور رساند و از طرف دیگر به دلیل آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی که دفاع از ملت‌های مظلوم و جنبش‌های حق‌طلبانه از جمله آن‌هاست، خود را به حمایت از این جنبش‌ها ملزم می‌داند. بر اساس این دیدگاه، ایران حتی اجازه دارد برای کمک به معترضان منطقه از جمله یمن، نیروی

1. Shiite ideology

2. The strategy of issuing the revolution

نظامی به این کشور اعزام کند. این دیدگاه به دلیل برداشت تهاجمی و ایدئولوژیک از اصول و مبانی انقلاب اسلامی باعث جهت‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌شود (قربانی و کارآزما، ۱۳۹۱، ص. ۱۱).

۲-۶. واکنش جانب‌دارانه، صریح و شفاف ایران از یمن

جمهوری اسلامی ایران عملیات نظامی عربستان به یمن را نقض‌کننده حمایت یمن دانست و خواستار توقف آن شد. صدا و سیما نیز اخبار جنگ یمن را به شکل کم‌سابقه‌ای پوشش می‌دهد که به‌گونه‌ای آن را با تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان (جنگ ۳۳ روزه با حزب‌الله) یا جنایات این رژیم در حمله وحشیانه به نوار غزه (جنگ ۲۲ و ۹ روزه) شبیه می‌داند. از طرف دیگر به خاطر موضع‌گیری ایران، آمریکا و عربستان کشور را متهم به دخالت در مسائل داخلی یمن می‌دانند و کشتی حامل کمک‌های بشردوستانه ایران (محموله‌های غذایی و دارویی) را حاوی سلاح و مهمات نظامی می‌دانند (جهانبین و پرتو، ۱۳۹۱: ص. ۱۲۸). برای اولین بار پس از جنگ هشت‌ساله، برخی اعراب به بهانه جنگ یمن به ایجاد ائتلاف علیه ایران پرداخته‌اند. این رویدادی ناخوشایند در روابط خارجی ماست که باید آن را مدیریت کرد.

۳-۶. ضعف اقتصادی ایران

جمهوری اسلامی ایران با ضعف‌های اقتصادی ناشی از توسعه نامتوازن اقتصادی^۱ مواجه بوده و همواره متکی بر درآمدهای نفتی است که این مسئله به یکی از نکات ضعف این کشور تبدیل شده و با توجه به اینکه یکی از غنی‌ترین کشورها و بزرگ‌ترین صادرکننده‌ها می‌باشد، از قابلیت ارزش آوری بالایی در صادرات برخوردار است. لیکن بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت تاکنون بی‌استفاده مانده است. نگاه به خارج، استفاده محدود از ظرفیت‌های موجود، ضعف در بودجه‌بندی، عدم ثبات سیاست‌های اجرایی، عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد را می‌توان از جمله ضعف‌های اقتصادی ایران به شمار آورد (بوالحسنی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۹).

۴-۶. ضریب نفوذ رسانه‌های غربی در برابر رسانه‌های ملی

1. unbalanced economic development

رسانه‌ها از کاربردی‌ترین ابزارهای فرهنگی برای غلبه بر فکر و اندیشه مخاطبان بوده و می‌توانند ارزش‌های جامعه را دستخوش تغییر قرار دهند. از این‌رو، در خط مقدم میدان جنگ نرم قرار داشته و به راحتی می‌توانند جریان‌های مهم را هدایت، نظارت و کنترل کنند و از طرفی، خود نیز جریان‌ساز باشند. بسیاری از کارشناسان معتقدند با توجه به گستردگی و درهم‌تنیدگی جهانی ارتباطات، امروزه با جنگ رسانه‌ای، به‌عنوان یکی از ابعاد جنگ نرم روبه‌رو هستیم؛ به طوری که هر رسانه‌ای که قوی‌تر است، می‌تواند در جهت‌دهی به افکار عمومی مردم مؤثرتر عمل کند (سمیعی و فتیحی، ۱۳۹۱، ص. ۷۹). این در حالی است که دیپلماسی رسانه‌ای^۱ ایران در عرصه مقابله با جنگ نرم بسیار ضعیف اجرا شده و به هیچ‌وجه در حد و اندازه ظرفیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای کشور نبوده است.

۷. راهبردهای تثبیت و پایدارسازی نفوذ ج.ا. ایران در یمن

۷-۱. راهبردهای سیاسی

۷-۱-۱. تداوم حمایت ج.ا. ایران از مردم یمن در مجامع بین‌المللی

برای جمهوری اسلامی ایران که دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد^۲ در برابر قدرت‌های سلطه‌گر را مبنای عمل در عرصه سیاست خارجی قرار داده، لازم است در راستای فعال‌سازی تدابیر حقوقی-سیاسی حمایت از مردم مظلوم یمن نیز اقداماتی را انجام دهد. از جمله، می‌توان به ارائه گزارش به نهادهای ناظر حقوق بشر از جمله گزارشگران موضوعی حقوق بشر، تلاش‌های سیاسی و حقوقی برای محکومیت مقامات و فرماندهان عربستان از طریق ایجاد یک دادگاه منطقه‌ای کیفری برای رسیدگی به جنایات آمران و عاملان در جنگ یمن، درخواست از شورای امنیت برای ارجاع وضعیت یمن به دیوان بین‌المللی کیفری و نیز فعال ساختن امکان اعمال صلاحیت جهانی محاکم کیفری ایران از طریق تفسیر قانون مجازات یا وضع قانون داخلی خاص اشاره کرد.

۷-۱-۲. ممانعت از پیوستن کشورهای منطقه در ائتلاف حمله به یمن

1. Media diplomacy
2. Non-alignment

از دیگر سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، می‌توان به ممانعت از پیوستن کشورهای پاکستان، ترکیه و عمان در ائتلاف حمله به یمن اشاره نمود. در واقع مصوبه بی‌طرفی در جنگ یمن که از سوی پارلمان پاکستان صادر شد را باید در پرتو تلاش‌های دیپلماتیک تهران و قدرت‌یابی ایران در عرصه معادلات منطقه‌ای عنوان کرد. از طرفی سیاست خویش‌داری جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ یمن، عمان را به‌عنوان یکی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس^۱ به عدم همراهی با اعضای شورای یاد شده در جنگ یمن ترغیب کرد. همچنین مخالفت جمهوری اسلامی ایران با سیاست تهاجمی عربستان سعودی در یمن، مانع از همراهی ترکیه با ریاض شد؛ به طوری که با شروع حمله ریاض، رسانه‌های آنکارا اعلام کردند، این کشور با پیوستن به ائتلاف حمله در قبال یمن، از ایجاد هرگونه تنش در مناسبات خود با تهران جلوگیری می‌کند.

۲-۷. راهبردهای اقتصادی

۲-۱. گسترش ارسال کمک‌های بشردوستانه^۲ به مردم یمن

به یقین، امروزه وضعیتی که در یمن به وجود آمده و ظلم و ستمی که بر مردم مظلوم این کشور می‌رود، دولت و ملت بزرگ ایران را بر آن می‌دارد تا در مقام عمل، به مسئولیتی که اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس آموزه‌های متعالی اسلام بر عهده آن‌ها نهاده است بپردازد؛ بنابراین، در شرایطی که سازمان‌های بین‌المللی در برابر تهاجم ائتلاف سعودی سکوت اختیار کرده‌اند، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تداوم کمک‌های بشردوستانه به مردم مظلوم یمن نفوذ و حضور خود را تثبیت بخشد.

۲-۲. گسترش همکاری اقتصادی و تجاری با رفع محاصره اقتصادی^۳ یمن

جمهوری یمن با ۳۰ میلیون نفر جمعیت یکی از بازارهای بزرگ منطقه محسوب می‌شود. حجم واردات این کشور در سال پیش از تهاجم ائتلاف سعودی حدود ۱۲ میلیارد دلار برآورد شده که اغلب آن کالاهای صادراتی ایران بوده است. پیش‌بینی می‌شود با رفع محاصره اقتصادی یمن حتی اگر نصف واردات این کشور از ایران

1. Persian Gulf Cooperation Council

2. humanitarian aids

3. Economic blockade

تأمین شود، در همان ابتدای کار ۳۰۰ هزار شغل برای ایرانیان ایجاد شود. ضمن اینکه این کشور پس از جنگ نیز می‌تواند بازار بسیار بزرگی برای خدمات مهندسی ایران باشد؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در وضعیت کنونی ضمن تلاش برای رفع محاصره اقتصادی با ارائه خدمات مشاوره‌ای و فنی به منظور تأمین زیرساخت برای ایجاد بازار سرمایه^۱ و در دوره رفع محاصره اقتصادی با گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری زمینه‌های حضور خود را بیش‌ازپیش افزایش دهد.

۳-۷. راهبردهای فرهنگی-هویتی

۳-۷-۱. حمایت و تبلیغات رسانه‌ای در مخالفت با تداوم کشتار مردم یمن

با نگاهی به تیتیر رسانه‌های سعودی و شگردهای تبلیغاتی آن‌ها برای تحریف واقعیت‌ها و گمراه‌سازی افکار عمومی در خصوص یمن و جابه‌جا کردن جای متجاوز و قربانی این‌گونه القا می‌کنند عربستان که با حمایت چند کشور مزدور جنگ ویرانگری را علیه ملت یمن به راه انداخته، به‌عنوان قربانی و کشوری که در معرض تهدید و خطر قرار گرفته و همین‌طور مردم یمن و جنبش انصارالله یکی از مهم‌ترین طیف‌های سیاسی جامعه یمن، به‌عنوان خطر و تهدید و متجاوز معرفی شود. در رسانه‌های سعودی و رسانه‌های هم‌سو هیچ خبری از ویرانی زیرساخت‌های یمن در بیش از دو هزار و ۵۰۰ حمله هوایی و حملات دریایی و زمینی و شهید و زخمی شدن بیش از ۹ هزار و ۷۰۰ نفر که بیشتر آن‌ها را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند، نیست (مجمع جهانی شیعه‌شناسی، ۱۴۰۱). در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دیپلماسی رسانه‌ای و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، می‌تواند با روشن نمودن حقیقت، ضمن اعتمادسازی میزان تأثیرات مخرب و منفی این رسانه‌ها را بر افکار عمومی تقلیل دهد.

۳-۷-۲. بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی در راستای تقویت همبستگی و

هویت بخشی به شیعیان یمن

پیروزی انقلاب اسلامی و تحولات پس از آن در منطقه، مهم‌ترین عامل در بازیابی نقش و جایگاه شیعیان در غرب آسیا بوده است. بر این اساس، پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران با بافت هویتی شیعی در ایران، شیعیان به‌عنوان مسلمانان فراموش شده

در کشورهای عربی مورد توجه قرار گرفته و هویت جمعی آن‌ها در منطقه بازتولید گردید (هاشم‌پور و حقیقی، ۱۳۹۹، ص. ۲۱۷)؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان حکومت اسلامی مبتنی بر باورها و ارزش‌های دینی در قالب مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی با هویت بخشی، انسجام دهی و احیای شیعیان زیدی در یمن، گرایش اثنی‌عشری، تأثیرگذاری بر شخصیت‌های یمنی و گسترش شعارهای انقلابی و انصارالله به‌عنوان بازوی مسلح شیعیان یمن می‌تواند به تشکیلاتی‌تر شدن شیعیان در جهت احقاق حقوق خود کمک کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با ظهور بیداری اسلامی و آغاز تحولات انقلابی یمن در سال ۲۰۱۱ به دلیل نفوذ تاریخی عربستان در این کشور و به‌موازات آن نقش‌آفرینی جنبش انصارالله در روند تحولات سیاسی، زمینه بروز رقابت منطقه‌ای میان تهران و ریاض در صحنه یمن پدیدار شد؛ در این راستا، نقش جمهوری اسلامی ایران در مقاومت یمن که در قامت جنبش انصارالله در مقابل حملات هوایی ائتلاف عربستان سعودی نمایان شده را بایستی ناشی از الهام گرفتن از تفکر انقلاب اسلامی ایران دانست. در واقع جوهره انقلابی مقاومت مردم ایران، منبع الهام‌بخش برای شیعیان یمن بوده که توانست در خوانش و بازیابی هویتی آن‌ها مؤثر واقع‌شده و به شکل‌گیری هسته‌های مقاومت در قالب جنبش‌ها و گروه‌های مختلف شیعی منجر شود. حمایت ایران از جنبش‌ها و نهضت‌های رهایی‌بخش، باعث ایجاد جسارت ریسک‌پذیری سیاسی-اجتماعی در میان شیعیان یمن گردید و آن‌ها را بر آن داشت تا با تطبیق عناصر برآمده از انقلاب اسلامی ایران، به سمت خیزش و برپایی جنبش‌های سیاسی با خواستگاه اجتماعی حرکت کنند. به‌خصوص که فقه زیدی و جنبه‌های عمل‌گرایانه آن مسئله تطبیق امر دینی با امر سیاسی را به‌سادگی امکان‌پذیر می‌نمود که حاصل برآیند آن ایجاد تفکر مبارزه و برپایی مقاومت بود. از این منظر، مساعدت ایران در راستای حفظ وحدت و تمامیت ارضی یمن، تلاش برای حفظ منافع ملی و منطقه‌ای ایران می‌باشد. حفظ یمن در واقع کمک به حفظ بقای ایران است؛ هرچند جمهوری اسلامی ایران در حوزه مناقشات منطقه‌ای کانون تمرکز خود را بر ژئوپلیتیک محور مقاومت (از جمله یمن، سوریه، عراق، لبنان) قرار داده، اما دفع چالش‌های امنیتی جدید و بهره‌گیری از فرصت‌های فراهم شده مستلزم آن است که جمهوری اسلامی ایران حضور فعال و مؤثری در تحولات منطقه‌ای و بحران یمن داشته باشد.

واضح است که در پرتو تحقق سناریوی حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران یمن و تثبیت قدرت در این کشور، می‌توان انتظار داشت امنیت جمهوری اسلامی ایران افزایش یابد؛ چرا که حفظ وحدت و تمامیت ارضی یمن به حفظ منافع ملی و منطقه‌ای ایران یاری می‌رساند. در تحقق این مسیر، جمهوری اسلامی ایران همواره سعی نموده بستر حمایت‌های معنوی خود از این جنبش و استفاده از ظرفیت‌های آن را در راستای تأمین منافع ملی ایران در یمن و منطقه پیگیری و پیشبرد سیاست‌هایی را در دستور کار قرار دهد که یکپارچگی سرزمینی یمن را حفظ کند، تمام گروه‌ها و جریان‌های سیاسی را در قدرت شریک سازد و در عین حال نفوذ قدرت‌های خارجی از جمله عربستان را در این کشور پایان دهد. به‌طور کلی، قدرت‌یابی انصارالله به‌منزله گسترش محور مقاومت تا شبه جزیره عربستان و در واقع به معنی گسترش نفوذ ایران است. سیاست تهران در یمن بر این اساس است که در ابتدا انصارالله به وضعیت تثبیت قدرت برسد؛ ایران تمایل دارد دولت ملی یمن هم‌سو با اهداف و منافع ایران تشکیل شود و حتی در صورتی که انصارالله نتواند بر همه یمن مسلط شود، یک گروه قدرتمند در نظام سیاسی یمن شبیه حزب‌الله لبنان شکل بگیرد. ضمن آنکه دولتی که بر سر کار می‌آید مخالف و متضاد با منافع ایران در منطقه نباشد؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران با شروع بحران یمن، با پیش‌گیری سیاست خویش‌داری، جهت کاستن از تنش‌ها و جلوگیری از ایجاد میدان رقابت منطقه‌ای در این کشور، می‌تواند راهبردهای خود را به‌منظور تثبیت و پایدارسازی حضور و نفوذ خود در محور مقاومت یمن با تمرکز بر اصل احترام به رأی مردم آن و تقبیح و محکومیت هرگونه مداخله خارجی پایه‌ریزی نماید.

پژوهش صورت گرفته در شرایطی انجام شد که منابع چندانی در خصوص نقش ایران در بحران یمن تحریر نشده بود و این تحقیق در واقع تلاشی برای شناخت بهتر بحران و متقابلاً شناخت نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران بود. به همین دلیل مجال چندانی برای تعمیق در موضوعات پژوهشی و پرداختن به جزئیات بحران وجود نداشت. در این راستا، به پژوهشگران علاقه‌مند به موضوع بحران یمن و نقش جمهوری اسلامی ایران در این بحران پیشنهاد می‌شود برای ادامه این موضوع پژوهشی پرداختن به موضوعات زیر را نیز مدنظر قرار دهند:

♦ ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری گروه‌های تکفیری در یمن و مطالعه

تطبیقی این ریشه‌ها در کشورهای منطقه غرب آسیا؛

- ❖ راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با گروه‌های تکفیری در جمهوری یمن؛
 - ❖ آینده‌پژوهی دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای و بازیگران منطقه‌ای قدرت‌طلب در حمایت از منافع خود در بحران یمن؛
 - ❖ وضعیت سیاسی، نظامی و امنیتی انصارالله و سناریوهای آینده.
- موضوعات ذکر شده از موضوعات روز و پراهمیتی است که هنوز چندان به آن‌ها پرداخت نشده و در این تحقیق نیز مجال پرداختن همه‌جانبه به آن‌ها وجود نداشت، امید که پژوهشگران با بهره‌گیری از این موضوعات مسیر شناخت بهتر بحران غرب آسیا و حضور در این بحران را به صورت جزئی‌تر مورد بحث و بررسی قرار دهند.

منابع فارسی

- آل غفور، سیدمحسن؛ کاظمی، احسان؛ موسوی دهموردی، سیدمحمد (۱۳۹۴). *تبیین رقابت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در یمن*، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۲۹، شماره ۲.
- افتخاری، اصغر؛ حکیمی، محمد (۱۳۹۹). *مختصات الگوی مقاومت اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری*، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال هشتم، شماره ۱۸.
- اختیاری، رضا؛ رشیدی، احمد؛ سلطانیان، عبدالله (۱۳۹۹). *اتلاف دوفاکتو عبری-عربی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره ۱.
- التیامی نیا، رضا؛ باقری، علی؛ نیکفر، جاسب (۱۳۹۵). *بحران یمن: بررسی زمینه‌ها و اهداف مداخلات خارجی عربستان و آمریکا*، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸.
- امیری، سروش؛ کیانی، جواد (۱۳۹۶). *خاستگاه درونی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بحران ژئوپلیتیکی یمن*، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال اول، شماره ۵.
- ارغوانی، فریبرز؛ آرایش، حسن (۱۴۰۱). *اعراب و انتخاب در شرایط موازنه تهدید؛ تهدید انگاری ایران و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی*، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۴، شماره ۴.
- بیات، مرتضی (۱۳۹۵). *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر پیدایش جنبش الحوثی یمن*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بوالحسنی، خسرو (۱۳۹۲). *بررسی ژئوپلیتیک ترکیه و تأثیر آن در تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران*، رساله دکتری علوم دفاعی راهبردی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- تلاشان، حسن (۱۳۹۱). *انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه در یمن*، فصلنامه شیعه شناسی، دوره ۱۰، شماره ۴۰.
- جمال‌زاده، ناصر (۱۳۹۱). *قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه فرهنگی انقلاب*، تحقیقات انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره ۴.
- جهان‌بین، فرزاد؛ پرتو، فتح‌اله (۱۳۹۱). *راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر*، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳.
- حقیقت، حمیدرضا؛ شیرودی مرتضی؛ قربانی، بهرنگ (۱۴۰۱). *بررسی ایده مقاومت در اندیشه امام خمینی^(ره)*، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۱.

- حیدری، سامان؛ شیخی زاده، محمد رسول (۱۳۹۸). *الزامات حضور راهبردی ج. ا. ایران در یمن از منظر ژئوپلیتیکی*، پژوهش ملل، دوره چهارم، شماره ۴۱.
- حاتمی، محمدرضا (۱۴۰۰). *مؤلفه‌های همگرایی سیاست خارجی جنبش انصار الله یمن و جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره ۱.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*، جلد سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(۵).
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰). *بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل*، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- دفتر واژه‌گزینی دانشگاه عالی دفاع ملی (۱۳۹۷). *فرهنگ توصیف مفاهیم راهبردی*، تهران، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- دهشیری، محمدرضا؛ معبودی، فرشته (۱۳۹۶). *ارزیابی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن*، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال پنجم، شماره ۱۹.
- رضایی، علی؛ رحیمی نژاد، محمدعلی؛ بشارتی فرد، اشرف (۱۳۹۸). *انقلاب اسلامی ایران و تحولات ژئوپلیتیک شیعیان زیدی در یمن: ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۵*، پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۷.
- رضایی، نیما؛ شریعتی، مجتبی (۱۴۰۰). *ظرفیت‌سنجی شکل‌گیری رژیم امنیتی مبنی بر «چانه‌زنی نهادی» در مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی*، فصلنامه روابط خارجی، دوره ۱۳، شماره ۲.
- رستمی، فرزاد؛ لطفی، کامران؛ پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۷). *جنگ قدرت‌ها در یمن و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- ستوده، محمد؛ محمدی، علی (۱۳۹۶). *راهبرد آمریکا و نظم منطقه‌ای خاورمیانه: از هژمونی کلاسیک تا هژمونی ملایم*، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۳.
- سمیعی، علیرضا؛ فتحی، عبدالرضا (۱۳۹۱). *راهبردها و راهکارهای رسانه زمینه‌ساز در مواجهه با جنگ نرم*، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال پانزدهم، شماره ۵۷.
- سجادی، محسن؛ حاتمی، اصغر (۱۳۹۸). *بازدارندگی موشکی به مثابه راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال اول، شماره ۱.
- شیخ حسینی، مختار (۱۳۹۴). *جنبش انصارالله یمن*، چاپ دوم، قم: مجمع جهانی اهل بیت^(۴).
- صلح میرزایی، سعید (۱۳۹۸). *اندیشه مقاومت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

- عظیمی دولت‌آبادی، امیر؛ سیف، زهره (۱۳۹۶). *بررسی مقایسه‌ای جنبش حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن*، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۱.
- عباسی، مجید؛ گلچین، سعید (۱۳۹۴). *انقلاب اسلامی ایران و ژئوپلیتیک تشیع در یمن: از هویت‌یابی تا بیداری*، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، شماره ۶۹.
- علوی، ابوالفضل؛ عبدالله، عبدالمطلب؛ رهبر، عباسعلی؛ حسن‌زاده، صالح (۱۳۹۸). *تبیین تأثیرات اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی بر مناسبات فرهنگی ج.ا. ایران و غرب در فضای پسا انقلاب اسلامی*، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۵۹.
- عبدخدایی، مجتبی؛ دلبند، مجید (۱۴۰۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن*، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال ۲۵، شماره ۹۴.
- علائی، حسین (۱۳۹۱). *تحلیل تغییرات موازنه قوا در خاورمیانه در پی قیام‌های مردمی در کشورهای عربی*، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۶، شماره ۴.
- فیروزکلایی، عبدالرضا (۱۳۹۴). *تحلیلی بر مهم‌ترین علل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی به یمن*، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۱۵.
- قربانی، ارسلان؛ کارآما، جواد (۱۳۹۱). *بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران؛ فرصت‌ها و تهدیدها*، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۹). *الگوی مقاومت اسلامی؛ مطالعه بیانات مقام معظم رهبری*، دوفصلنامه علمی-پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۲۱.
- مددی، جواد (۱۳۹۴). *بحران یمن: الزامات رویارویی با ائتلاف سعودی*، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره ۲، تابستان.
- موسوی، سید محمد (۱۳۹۹). *تحلیل جامعه‌شناختی بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش انصارالله یمن و آینده پیش‌روی آن*، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال نهم، شماره ۱۸.
- محسنی، سجاد (۱۴۰۱). *متغیرهای تأثیرگذار بر آینده زنجیره مقاومت در منطقه غرب آسیا (با تأکید بر یمن، عراق، سوریه و لبنان)*، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۴، شماره ۳.
- نجات، سید علی و دیگران (۱۳۹۵). *راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن*، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره ۳۳.
- نورمحمدی، مرتضی؛ جوکار، مهدی؛ فرجی، محمدرضا (۱۳۹۲). *بررسی چالش‌های دولت-ملت‌سازی در یمن*، فصلنامه سیاست دفاعی، شماره ۸۴.

- هدایتی، مهدی؛ بابایی، محمدرضا (۱۴۰۰). *ائتلاف شکننده و رقابت سیاسی امارات و عربستان در یمن (۲۰۲۰-۲۰۱۵)*، فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۰، شماره ۳۸.
- هاشم‌پور، پیروز؛ حقیقی، علی محمد (۱۳۹۹). *رابطه انقلاب اسلامی ایران و محور مقاومت در هویت بخشی به حوثی‌های یمن*، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۰، شماره ۴.
- یاری، احسان؛ رضایی، دانش؛ غلامی، محمدحسن (۱۳۹۸). *گونه‌شناسی تحریم‌های بین‌المللی اعمال شده علیه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵-۱۳۵۸)*، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۶، شماره ۹۹.

منابع آنلاین

- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (۳ خرداد ۱۳۹۵). *بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)*، قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/33172>
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (۴ مهر ۱۳۹۲). *پیام رهبر انقلاب به مناسبت روز تجلیل از شهیدان و ایثارگران*، قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/24086>
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (۱۹ بهمن ۱۳۹۲). *بیانات رهبر انقلاب در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش*، قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/25260>
- پایگاه اطلاع رسانی مجمع جهانی شیعه شناسی (۱۴۰۱). *حملات نظامی رژیم سعودی در پوشش دروغین آل سعود ناجی ملت یمن یا قاتل بیگناهان*، قابل دسترس در: <http://shiaudies.com/fa/?p=19175>
- دهقانی فیروزآبادی؛ سیدجلال و صادق الحسینی، محمد (۲۸ مرداد ۱۳۹۱). *گفتمان مقاومت؛ واقعیت یا رؤیا*، قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/20780>

References

- Adra, Najwa. (2013). "Women and Peace Building in Yemen; Challenges and Opportunitie", the Norwegian Peacebuilding Resource Centre, November.
- Adelkhah, Nima (2015),"IRANIAN PERSPECTIVES on YEMEN'S HOUTHIS", The Jamestown foundation, Global Rasearch and Analysis, available at: http://www.jamestown.org/regions/middleeast/single/?tx_ttnews%5Btt_news%5D=10000
- Blumi, Isa. (2011), Chaos in Yemon: Societal Collapse and the New Authoritarianism, Routledge.
- Boghardt, Lory Plotkin&Henderson, Simon 2017, Rebuilding Allaiances and Countering Threats in the Goulf, THE WASHINGTON INSTITUTE FOR NEAR EAST POLICY. NO. 35. FEBRUARY 2017.
- Chubin, Shahram (2012), "Iran and the Arab Spring: Ascendancy Frustrated". Gulf Research Center, GRC Paper, Vol.1, No.24.
- Charbonneau, Louis (2015),"Iran submits four-point Yemen peace plan to United Nations", Reuters, available at: www.reuters.com/article/us-yemen-security-iran
- Ibrahim, Saad Eddin (2002). Ethnic Conflict and State- Building in the Arab World. International Social Science Journal. Vol.50. issue.156, December.
- Kasapoglu, Can and Fekry, Mariam (2020), "Iran's Proxy War in Yemen: the Information Warfare Landscape", NATO Strategic Communications Centre of Excellence, available at: <https://stratcomcoe.org/publications/irans-proxy-war-in-yemen-the-information-warfare-landscape/62>
- M. Feierstein, Gerald (2018), Iran's Role in Yemen and Prospects for Peace, Middle EastInstitute, 1319 18th St.Nw, Washington D.C. This Article Was Originally Published By the Iran Primer at the U.S. Institute of Peace.20036.
- Nazemroya, Mahdi Darius. (2015), "The Geopolitics behind the War in Yemen", Part 1, available at: www.strategic-culture.org/news/2015/03/30/thegeopoliti.
- Ryan, Patrick W. (2015), "The Yemen Crisis and the Bab El-Mandeb Maritime Chokepoint, April 14, 2015.available at: <http://susris.com>.
- Transfeld, Marike (2017), "Irans Small Hand in Yemen", carnegieendowment, available at: <http://carnegieendowment.org/sada/67988>, access date: February/14/2017
- Taha, Taha (2022), "The Iranian Involvement in the Yemeni War", School of Arts and Sciences, Lebnanese American University, available at: https://laur.lau.edu.lb:8443/xmlui/bitstream/handle/10725/14149/Lynne_Wa lid_Taha_Thesis_Redacted.pdf?sequence=1

